



بر اساس منافع ملی ایران و پاکستان تنش‌ها نباید از سطحی فراتر رود



بیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل شبه‌قاره هند، درباره رخدادهای اخیر در منطقه به هم‌میهن، گفت: «روایتی که از این عملیات در میان پاکستانی‌ها، ایرانیان و برخی کشورهای منطقه وجود دارد، متفاوت است. ایرانی‌ها می‌گویند مقر جیش العدل در منطقه کوه سبز را هدف قرار داده‌اند که در حد فاصل سرالون در ایران و پنجگور در پاکستان واقع شده است. اما روایت پاکستانی‌ها، تفاوت‌هایی بنیادین دارد. آن‌ها در رسانه‌ها و افکار عمومی بر کودگانی که در این عملیات کشته و زخمی شدند، مانور می‌دهند و صحبتی از اینکه جیش العدل در آنجا حضور داشته، در رسانه‌ها و افکار عمومی پاکستان مطرح نیست. در نهایت اگر بخواهند اشاره‌ای به این گروه تروریستی داشته باشند، می‌گویند جیش العدل آنجا پایگاه داشته و ممکن است که در زمان حمله آن نقطه را ترک کرده باشند.»



این تحلیل گر مسائل بین الملل ضمن برشمردن پیامدهای این عملیات، اضافه کرد: «حمله اخیر مناسبات میان دو کشور را دچار تنش کرده است. پاکستانی‌ها سفیر خود را فراخواندند و اجازه ورود سفیر ایران را هم نمی‌دهند. می‌شود تصور کرد این حرکت نظامی براساس این تحلیل صورت گرفته است که باید از موضع قدرت بر خورد شود تا پاکستانی‌ها را مجبور کنیم که از ورود گروه‌های تروریستی به منطقه بلوچستان جلوگیری کنند. اینکه هدف مذکور برآورده شده باشد، محل تردید است. منافع ملی ایران و پاکستان در این است که تنش‌ها از سطحی فراتر نرود و دو طرف، بار دیگر در یک مسیر توسعه مناسبات قرار بگیرند. دو کشور مرز طولانی با هم دارند و قوم بلوچ در دو طرف آن زندگی می‌کنند. بلوچ‌هایی در ایران احساس تبعیض مذهبی و در پاکستان، احساس تبعیض اقتصادی و اجتماعی دارند.»

ملازهی در پاسخ به این سوال که آیا زمان‌بندی این عملیات با توجه به ملاقات وزیر خارجه و نخست‌وزیر موقت پاکستان در داووس و تمرین مشترک نظامی دو کشور در خلیج فارس مناسب بوده یا نه؟ گفت: «زمان در این عملیات به درستی انتخاب نشده است. تحلیل نظامی این است که با این اقدام، مجبور به انجام اقداماتی در حوزه مبارزه با گروه‌های تروریستی می‌شود. ولی حقیقت این است که حتی اگر دولت مرکزی اسلام‌آباد بخواهد، با توجه به خلاف‌قردتی که در برخی مناطق بلوچستان وجود دارد ارتش پاکستان

زمینه‌گسترش همکاری‌ها انجام دادند که با توجه به منازعات طولانی مدت میان دهللی و اسلام‌آباد پیامی منفی به پاکستان بود؛ هند و پاکستان از زمان جنگ خوزین که منجر به جدایی پاکستان از هند شد، بر سر منطقه مسلمان‌نشین جامو و کشمیر با هم در مناقشه هستند و روابط خارجی خود را نیز براساس این دشمنی تنظیم می‌کنند. البته ناگفته نماند هند از حملات ایران در خاک پاکستان دفاع کرد، دولت هند در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما اقدامات دفاعی را که کشورها در دفاع از خود انجام می‌دهند درک می‌کنیم.»

واکنش مقام‌های ایرانی

در چنین مواقعی به طور معمول، مقامات کشورهای درگیر منازعه به اظهارنظر در برابر یکدیگر می‌پردازند. مقام‌های ایران نیز ضمن تأکید بر کوتاهی پاکستان در برخورد با گروه‌های تروریستی مستتر در خاک این کشور که حملات مکرری به مواضع داخل ایران دارند، این عملیات را حق دفاع مشروع خود دانستند. سردار سیدمجید میراحمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، با اشاره به حضور برخی جریانات تروریستی در پاکستان گفت: ما با پاکستان همکاری اطلاعاتی و امنیتی داریم و در مقابل با گروه‌های تروریستی هستیم و یک ارتباط برادرانه داریم و دائماً در حال تماس و ارتباط هستیم اما متأسفانه برخی گروه‌های تروریستی در خاک پاکستان لانه کرده‌اند. اگر چه متولیان در پاکستان از حضور تروریست‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند، ولی روز گذشته گروه تروریستی جیش‌الظلم که خود را به دروغ جیش‌العدل نامیده رسماً اعلامیه داد در خاک پاکستان هستیم. البته بعد از اینکه متوجه خطای خود شدند سعی کردند این اشتباه را اصلاح کنند. امیر سرتیب محمدرضا اشتیانی، وزیر دفاع نیز روز گذشته در حاشیه جلسه

یک روز جنگ در اوکراین را بیانیه‌کنند و روز دیگر انتخابات و فشارهای داخلی در آمریکا را، توافق دست‌یافتنی است. ما هر اقدام مبتنی بر احترام متقابل از سوی دولت آمریکا را با اقدام و احترام متقابل پاسخ خواهیم داد، ما در سال ۲۰۱۵ به یک توافق هسته‌ای با آمریکا دست یافتیم که تعهداتی را برای همه طرف‌ها داشت که در شورای امنیت به یک قطعنامه شناخته شده منجر شد اما آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای بدعهدی کرد. برای ما آمریکا است و ما تفاوتی بین ایوپا و ترامپ قائل نیستیم. از زمان ایوپا نقض برجام شروع شد و بدترین تصمیم را هم ترامپ گرفت. با این حال ما در دولت‌مان اعلام آمادگی کردیم برای بازگشت همه طرف‌ها به برجام اما آمریکا بدعهدی کرد. ما در دولت‌مان توافقاتی با دولت آمریکا کردیم. اکنون نیز آثاری از آن بدعهدی‌ها را در بخش‌هایی از توافقات محدودی که در ماه‌های گذشته داشتیم، شاهد هستیم. بدعهدی جز «ثابتی از سیاست آمریکا است و تفاوتی بین دولت‌ها وجود ندارد اما ما تعهد آمریکا به توافق را با تعهد متقابل پاسخ می‌دهیم و احترام متقابل را با همان زبان اما اقدامات غیردوستانه آمریکا را بدون پاسخ نمی‌گذاریم.»

ایمن و عربستان به توافق صلح نهایی نزدیک شدند

امیرعبدالمهمن درباره تحریم‌های آمریکا علیه ایران و در عین حال فروش نفت ایران گفت: «تحریم‌هایی که برای ایران اعمال شده یک‌جانبه و غیرقانونی است اما ما حق خود می‌دانیم نسبت به صادرات نفت و انرژی اقدام کنیم. آمریکا ارباب و کدخدای دنیا نیست که برای دیگران تصمیم بگیرد. ما از حقوق خود دفاع می‌کنیم و نسبت به صادرات نفت خود در چارچوب حقوق بین‌الملل اقدام می‌کنیم.» رئیس دستگاه دیپلماسی درباره امنیت کشتیرانی و دریانوردی در دریای سرخ، تصریح کرد: «ما بر امنیت دریانوردی تأکید داریم و تجارت و صادرات نفت ایران از دریا انجام می‌شود. امنیت دریای سرخ، خلیج فارس و دریای عمان مورد تأکید ماست. اجباری داریم که این روزها یمن و عربستان به توافق صلح نهایی نزدیک شدند؛ از این روزها نام‌سازی دریای سرخ به نفع این توافق امنیتی نخواهد بود. آنچه در دریای سرخ انجام شده مربوط به حمایت یمن از غزه است و توقف نسل‌کشی در غزه به توقف حملات و بحران‌های دیگر در منطقه کمک می‌کند.» امیرعبدالمهمن درباره درگیری حزب‌الله در جنگ غزه گفت: «من در ۱۰۰ روز گذشته دو بار با آقای سیدحسن نصرالله ملاقات داشتم، ۴۸ ساعت قبل از آتش‌بس انسانی موقت در غزه در ملاقات با ایشان پرسیدم که اگر حملات اسرائیل علیه غزه متوقف شود، آیا حملات حزب‌الله متوقف می‌شود و او گفت، بله ما برای حمایت از مردم عملیات نظامی می‌کنیم، در صورت توقف حملات ما نیز متوقف می‌شود. در ۶ روز آتش‌بس یک گلوله از سوی حزب‌الله شلیک نشد.»

جواد علیزاده



سمفونی خطوط



نگاه روزنامه‌نگار

طالبان و امنیت ملی ایران



فرشید عابدی
روزنامه‌نگار ساکن زاهدان

پیش از تسلط طالبان بر افغانستان جنگ آبی علیه ایران در مرزهای شرق کشور آغاز شد اما پس از تسلط طالبان، جنگ آبی به یک جنگ ترکیبی تبدیل شد که به صورت خلاصه به تشریح ابعاد این جنگ می‌پردازم. هدف از نوشتن این یادداشت بیشتر و آگاهی نقش طالبان در تقویت گروه‌های تروریستی و تجزیه‌طلب است. در منطقه‌ای یک جنگ آبی مواجه هستیم که ایران نیز یکی از قربانیان این جنگ است. افغانستان با احداث سد سلیمان، بندکمال خان، سد بخش آباد، کانال‌های انحرافی مانند ترکو و قلعه افضل، کانال قوش و... یک جنگ آبی علیه همسایگان خود آغاز کرده که امنیت آبی، غذایی و زیست محیطی ایران، کشورهای آسیای مرکزی و حتی پاکستان را به مخاطره انداخته است. بسیاری از زیرساخت‌های آبی در دوره جمهوریت افغانستان احداث و با عملیات ساخت آن‌ها با استراتژی مشخص با مشاوره و کمک مالی آمریکا، ترکیه، هند و... آغاز شد، اما پس از تسلط طالبان استراتژی افغانستان در قبال آب و زیرساخت‌های هیدرولیک تغییر نیکرده. تجربه نشان داده که هرگاه مقامات ایرانی پیگیری مسئله حبابه هیرمند را در اولویت قرار دادند، با جنگ رسانه‌ای و یا تنش‌های مرزی مواجه شدیم. برای مثال می‌توان به اقدامات امارت اسلامی پس از اولتیماتوم رئیس‌جمهور در خصوص حبابه ایران از رودخانه هیرمند اشاره کرد. به‌رغم این که کارشناسان مسائل هیدرولیک اذعان داشتند که سد بخش آباد در سال ۱۴۰۳ تکمیل و بهره‌برداری می‌رسد، اما ۲ روز پس از این اولتیماتوم ۲ تونل سد مذکور توسط مقامات طالبان افتتاح شد و یک کارگاه سدسازی در حوضه آبریز هیرمند که سال‌ها غیرفعال بود، دوباره فعال شد. تشدید تنش‌های مرزی و جنگ تبلیغاتی باعث نگرانی مردم شده بود که پس از آن رفته‌رفته مسئله پیگیری حبابه کمرنگ شد و در نهایت با هوشمندی طالبان به‌رغم داده‌های ماهواره خیام مینی بر وجود آب در حوضه آبریز هیرمند، هیئت ایرانی‌ها ماه‌های انتهایی سال آبی و فصل زراعت از ایستگاه سنجش آب دهاوود بازدید کردند و صرفاً با بررسی آلودگی ماه رودخانه، خشکسالی در افغانستان را تأیید کردند و حتی طبق معاهده میزان حبابه هیرمند در دوره خشکسالی نیز پیگیری نشد. همزمان با اجرای قرارداد دوحه و تسلیم افغانستان به طالبان، اخباری مبنی بر کمک لجستیکی، اطلاعاتی و حتی نظامی ارتش پاکستان و isi به گروه طالبان منتشر شد. کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که دره پنجشیر که ارتش سرخ شوروی و حتی نظامیان آمریکا را در جنگ به

چالش کشیده بود، در مدت زمان کوتاهی سقوط کند و کنترل ولایت و ولسوالی آن به دست طالبان بیفتد. در آن زمان اعضای جبهه مقاومت تأکید بسیاری بر نقش ارتش پاکستان و حتی نیروی هوایی این کشور در خصوص شکست پنجشیر داشتند. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، عمران خان، نخست‌وزیر پشتون وقت پاکستان و حامی طالبان به اتهام فساد مالی بازداشت و راهی دادگاه شد. این رویداد با تقویت گروه تحریر جنبش طالبان پاکستان توسط طالبان افغانستان به لحاظ مالی، تسلیحاتی و لجستیکی مصادف شد. مسلط شدن طالبان بر افغانستان، انگیزه‌ای مضاعف برای تی‌تی‌پی برای تصرف ولایت‌های مرزی افغانستان با پاکستان را فراهم کرد، از طرفی در گذشته حکومت جمهوری تا حد امکان به تی‌تی‌پی اجازه عملیات علیه پاکستان را نمی‌داد، اما گروه طالبان در قبال این مسئله اهتمامی نداشت که در نهایت منجر به چند عملیات توسط تی‌تی‌پی علیه مقرهای نظامیان پاکستانی، تنش‌های مرزی، انسداد گذرگاه تورخم و توقف گاه و بی‌گاه مبادلات مرزی میان دو کشور شد. تی‌تی‌پی که در گذشته در بخش پشتون‌نشین ایالت بلوچستان پاکستان نفوذ داشت، اخیراً ضربت نفوذ خود را در بخش بلوچ‌نشین این ایالت افزایش داده و سعی کرده با انتشار بیانیه‌هایی با گروه‌های نظامی و مدنی بلوچ در قبال برخورد‌های ارتش پاکستان و اسیا همدردی کند و برای خودش جایگاه اجتماعی کسب کند. از آنجا که غالب گروه‌های بلوچ سکولار هستند، بنابراین گروه تحریر طالبان پاکستان با ایدئولوژی مذهبی خود نتوانسته توفیقی در همراه کردن گروه‌های بلوچ کسب کند، اما همراه کردن، تقویت و حتی استفاده ابزاری از گروه‌های تروریستی مذهبی مانند جیش‌العدل و... مسئله‌ای است که نمی‌توان به راحتی از آن عبور کرد. بنا به ادعای برخی کارشناسان مسائل افغانستان، مقامات امنیتی سه ولایت مسزری هرات، فراه و نیمروز اعضای سابق جندالله و نزدیکان تروریست معذور عبدالمالک ریگی هستند. با توجه به اختلافات عقیدتی طالبان با شیعیان و جمهوری اسلامی کنار هم گذاشتن این تکه‌های پازل را نمی‌توان با نام‌های اخیر در استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان بی‌ارتباط دانست. اگر در خصوص این تحولات که با هدف آسیب زدن به تمامیت ارضی کشور توسط تجزیه‌طلبان و همراهی حامیان آن‌ها صورت می‌گیرد، تدبیر مناسبی اتخاذ نشود، بی‌تردید امنیت ملی ایران را به مخاطره می‌اندازد. عملیات موشکی و پهپادی ایران علیه مواضع گروه تروریستی موسوم به جیش‌العدل در خاک پاکستان بسیاری معادلات را تغییر داد و به نقطه عطفی در کاهش نام‌های هابل خواهد شد که در صورت استمرار توأم با کار اطلاعاتی می‌تواند به برچیده شدن بساط تروریست‌ها و تجزیه‌طلبان منجر شود. برای کاهش اثرگذاری تبلیغات گروه‌های تجزیه‌طلب و گروه‌های تروریستی برای یاریگری در ایران باید با توسعه مبنی بر مشارکت اجتماعی، تقویت جامعه مدنی، اشاعه گفت‌وگو سیاسی، کار فرهنگی و جبران کم‌کاری‌های فرهنگی سنوات گذشته علاوه بر اشتغال‌زایی و از بین بردن محرومیت، حس وطن‌پرستی و میهن‌دوستی را در میان جامعه رواج دهیم.